

# دو نامه تاریخی از ناپلئون بناپارت بفتحعلیشاه قاجار

بقلم: دکتر بینا  
استاد تاریخ دانشکده ادبیات

در دوره سلطنت آقامحمدخان بک هیأت فرانسوی برای ایجاد روابط سیاسی و تجاری از اسلامبول بتهران آمد. سپس در سال ۱۳۱۵ هجری (۱۸۰۱ میلادی) یکی از بازرگانان ارمنی بانامه‌های رسمی از طرف دولت امپراطوری فرانسه بکمک روسو<sup>۱</sup> کنسول آن دولت در بغداد بایران وارد شد ولی چون در تهران کسی نتوانست این نامه‌ها را بخواند اقدام روسو بی نتیجه ماند، لکن دربار تهران بدینوسیله از ورود قریب الوقوع نمایندگان دولت فرانسه اطلاع حاصل کرد.

یکسال بعد از اقدام روسو معاهده آمین<sup>۲</sup> بامضاء رسید. این معاهده دولت عثمانی را ملزم میساخت که با دولت فرانسه قراردادی راجع ببغازه‌ها منعقد کند بهمین جهت مطابق مواد معاهده بی که در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۸۰۲ (۲۴ صفر ۱۲۱۷) میان دولتین عثمانی و فرانسه بامضاء رسید، بغازه‌ها جهت عبور کشتی‌های فرانسوی آزاد شد. ناپلئون برای اجرای نقشه‌های خود و پیشرفت سیاستش روفن<sup>۳</sup> مشاور سفارت فرانسه در قسطنطنیه را مأمور کرد تا کنسولگریهای مشرق را دایر کند. قبلاً نیز روسو و اسکالن<sup>۴</sup> تاجر و قسیم قسطنطنیه توجه ناپلئون را نسبت بایران جلب کرده بودند. این دوتن مخصوصاً وضع جغرافیایی و سوق الجیشی ایرانرا بیان کرده و تذکار داده بودند که این کشور بمناسبت همسایه بودن با هندوستان تا چه حد ممکن است برای مغلوب ساختن دولت انگلستان

Rousseau—۱

Amiens—۲

Ruffin—۳

Ascalen—۴

در یکی از مهمترین مستعمراتش مؤثر واقع گردد. این فکر مقبول نظر فرمانده سابق قوای فرانسه در لشکر کشی های مصر قرار گرفت و کنسول اول همانوقت توجه خود را از آنسوی بوسفر و آناتولی بسمت ایران معطوف ساخت و بمارشال برون<sup>۱</sup> در حین حرکت بطرف قسطنطنیه در تاریخ ۱۸۰۲ میلادی دستور داد که بادولت ایران وارد مذاکره شود. در سال ۱۸۰۳ میلادی (۱۲۱۸ هجری) منظور دولت فرانسه عملی شد و در تاریخ دوم ماه اکتبر همین سال (۱۵ جمادی الثانی ۱۲۱۸) تالیران<sup>۲</sup> به «ژان فرانسواروسو» نماینده دولت فرانسه در بغداد اطلاع داد که کنسول اول مایل است که او جداً برای افتتاح باب مکاتبه بادولت ایران اقدام نماید و وسایل این امر را فراهم سازد. روسو در نتیجه روابط خود با ایران در مأموریت خویش توفیق حاصل کرد.

در این میان بر اثر اشغال ناگهانی اراضی ایران از طرف سپاهیان روسی روابط دولتین ایران و فرانسه محکمتر شد و فتحعلیشاه تصمیم گرفت کمک ناپلئون را بر ضد دولت روسیه تزاری جلب کند. برای همین منظور دولت ایران قبلا دست بجانب دولت انگلستان دراز کرده و کمک و مساعدت آن دولت را خواسته بود. دولت بریطانیای کبیر در برابر این مساعدت و اگذاری بنادر بحر خزر و هرمز و بوشهر را در خلیج فارس میخواست. این بود که در مقابل توقعات فوق العاده سنگین و غیر قابل قبول دولت انگلستان دولت ایران بحکم اجبار از درخواست مساعدت صرف نظر کرد و توجه خود را بطرف دولت فرانسه معطوف داشت.

از نامه بی<sup>۳</sup> که میرزا بزرگ<sup>۴</sup> وزیر عباس میرزا به سرهارفورد جونس نماینده انگلستان در بغداد نوشته است معلوم میشود که فتحعلیشاه در نبرد اول ایروان

۱ - Brune

۲ - Talleyrand

۳ - نامه میرزا بزرگ به سرهارفورد جونس London. Public Record Office Foreign Office Records Perias Fo. 60.

۴ - میرزا عیسی فراهانی ملقب به میرزا بزرگ، که در سال ۱۲۲۴ هجری قائم مقام یافت

Sir Harford Jones - ۵

در سال ۱۲۱۶ (۱۸۰۴) نامه های امپراطوری فرانسه را بوسیله دو نفر تاجر ارمنی دریافت کرد. در این نامه ها از طرف دولت فرانسه بتجدید روابط دوستانه میان دو کشور اشاره شده و ناپلئون پیشنهاد کرده است که از دو طرف بسرزمین روسیه حمله شود. فتحعلیشاه در مقابل این اقدام و پیشقدمی دولت فرانسه نامه یی بوسیله مارشال برون سفیر دولت فرانسه در قسطنطنیه بناپلئون ارسال داشت و باامپراطور فرانسه اطلاع داد که عقد قرارداد اتحادی با دولت ایران میتواند راه لشکرکشی به هندوستان را برای امپراطوری فرانسه باز و تأمین کند و یا لاقول خاطر انگلیس ها را نسبت بمستعمرات آسیایشان نگران سازد.

این نامه در تاریخ ژانویه سال ۱۸۰۵ میلادی مطابق ماه شوال، ۱۲۱۹ هجری بیاریس واصل شد و دولت فرانسه پس از دریافت نامه فتحعلیشاه مصمم گشت دو هیأت بطرف ایران اعزام دارد.

سرپرستی یکی از این دو هیأت به آمده ژوبر<sup>۱</sup> منشی و مترجم السنه شرقی و دیگری به سروان رومیو<sup>۲</sup> سپرده شد.

دولت فرانسه مخصوصاً بنمایندگان خود دستور داد قبلاً بقسطنطنیه بروند و از آنجا بدون آنکه کسی از نوع مأموریت و مقصد آنان اطلاع حاصل کند بسوی ایران عزیمت کنند. ژوبر مینویسد. برای اینکه این مسافرت با موفقیت توأم باشد می بایست دستور دولت فرانسه کاملاً رعایت گردد.

پادشاه ایران نیز مخصوصاً باین نکته اهمیت بسیار می داد زیرا باب عالی نمیخواست و اجازه نمیداد که مسافرین اروپایی از ایالات آسیایی امپراطوری عثمانی عبور کنند.

علاوه بر این اتباع دولتین روس و انگلیس که در امپراطوری عثمانی مشغول خدمت بودند اگر از هدف مأموریت نمایندگان دولت فرانسه اطلاع می یافتند برای

جلوگیری از پیشرفت کار ایشان از هیچ اقدامی کوتاهی نمی‌کردند. بهمین علت بود که چون ژوهر در تاریخ ۷ ماه مارس ۱۸۰۵ میلادی مطابق ۲۳ ذیحجه ۱۲۲۰ هجری پاریس را ترك گفت رعایت جانب‌حزم و احتیاط بوی توصیه شد.

نمایندگان دولت فرانسه در ماه آوریل بقسطنطنیه رسیدند و از طرف روفن كمك‌های لازم درحق آنان صورت گرفت.

اوانس پیتکارن<sup>۱</sup> جاسوس انگلیسی از تبریز موضوع مسافرت مأمورین دولت فرانسه را باطلاع نماینده بریتانیای کبیر در بغداد رسانیده بود<sup>۲</sup> و در نتیجه سرهارفوردرجونس مساعی خود را برای خنتی کردن اقدامات ناپلئون بکار برد.

نخست رومیو از طریق بغداد حرکت کرد و بابر خورد باشکالات فوق‌العاده زیاد در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۸۰۵ (۲۶ جمادی الثانی ۱۲۲۰) وارد تهران شد و بخدمت فتحعلیشاه رسید و نامه مورخ ۳۰ ماه مارس ۱۸۰۵ ناپلئون را بدین مضمون تسلیم نمود:

«سلام بناپارت امپراطور فرانسویان بفتحعلیشاه امپراطور ایرانیان.

«باید باور کنم قوای مافوق‌الطبیعه‌یی که ناظر مقدرات کشورها میباشند می‌خواهند من بکوششهایی که تو<sup>۳</sup> در راه تأمین قدرت امپراطوری خود بخرج میدهی یاری کنم. زیرا در یک موقع يك فکر بخاطر ما خطور کرد - مأمورین حامل نامه‌های ما یکدیگر را در قسطنطنیه ملاقات کردند و درحینی که حاکم تو در تبریز بانمایندگی من در حلب مکاتبه میکرد من بنمایندگی خود مأموریت دادم با حکام سرحدی ترك رابطه برقرار سازد.

«باید تابع الهامات یزدانی بود - زیرا خداوند امر را برای خوشبختی ملل آفریده است و وقتی در هر چند قرنی مردان بزرگی را مبعوث میکنند اراده خود را برای تطبیق نقشه‌های آنان برایشان تحمیل مینماید و افتخارات آنانرا فزونی می‌بخشد و اراده ایشانرا برای اعمال نیک قوی‌تر می‌سازد.

«ما چه اختلاف نظری میتوانیم داشته باشیم؟ ایران سرافرازترین ناحیه آسیا و

۱ - Owanes Pitcarn

۲ - نامه مورخ ۱۱ ماه مه ۱۸۰۶ اوانس پیتکارن به سرهارفوردرجونس

London. Public Record Office Foreign Office Records, Persia Fo. 60.

۳ - این عنوان حاکی از احترام وصمیمیتی است که میان دو پادشاه وجود دارد.

و فرانسه اولین امپراطوری مغرب است. آيا سلطنت کردن بر کشورهای که طبیعت مایل است آنها را رونق بخشد و با محصولات فراوان ثروتمند سازد، فرمان دادن بمردان صنعت گرو باهوش و جسوری که سکنه این کشورها را تشکیل میدهند بهترین تقدیر نیست؟ در روی زمین امپراطوری هایی وجود دارد که در آنجا طبیعت ناسازگار و بی نمر مایحتاج ضروری ملتها را با مضایقه تولید میکند. در این کشورها مردم مضطرب و حریص و حسود بدینا می آیند.

« بدابحال سکنه ممالکی که خداوند آنها را مضمول فیض خود قرار داده و از انواع نعم برخوردار ساخته است ولی پادشاهانی بآنان عنایت نمیکند که قادر باشند ایشانرا در مقابل اقدامات جاه طلبانه و حرص و ولع و فقر حمایت کنند.

« روسیان که در صحنه خود در رنج و ملالند بهترین قسمت های امپراطوری عثمانی دست اندازی میکنند، انگلیسیان در جزیره ای که ارزش آن برابر کوچکترین ایالات امپراطوری تو نیست محبوس هستند و حرص ثروت آنان را تحریک کرده است تا در هندوستان قدرتی ایجاد کنند و این قدرت روز بروز خطرناکتر میشود. اینها ممالکی هستند که باید مراقبت کرد و از آنها ترسید. نه از اجاظ اینکه قوی هستند بلکه برای اینکه احتیاج و علاقه مفرط دارند که قوی شوند.

« یکی از خدمتگزاران من او این علائم دوستی مرا بتو ابلاغ کرد. شخصی که امروز بیش تو میفرستم علی الخصوص موظف است در پیرامون افتخارات و قدرت و احتیاجات و مخاطرات تو اطلاعاتی بدست بیاورد وی شخصی است جسور و عاقل، احتیاجات رعایای تو را تشخیص خواهد داد تا بی باکی و شهامت آنان با کمک صنایعی که هنوز در مشرق شناخته نشده و با وضع فعلی دنیا و مغرب زمین شناسایی آنها بر همه ملل جهان لازم و ضرور است مورد استفاده قرار گیرد.

« من اخلاق ایرانیان را میشناسم و میدانم که بانشاط و سهوات آنچه را که برای افتخارات و امنیت ایشان ضرورست میآموزند. امروز يك لشکر بیست و پنج هزار نفری میتواند برانرا غارت کند و از پای در آورد. ولی وقتی رعایای تو توانستند اسلحه

بسازند، وقتی سربازان تو تربیت یافتند تا بتوانند در یک مانور سریع جمع شوند و متفرق گردند، وقتی باد گرفتند که حمله شدیدی را با آتش توپخانه متحرک پیش ببرند و هنگامی که سرحدات تو بوسیله قلاع متعدد محفوظ گردید و دریای خزر شاهد امتزاز پرچم های نیروی دریایی ایران شد آنوقت تو یک امپراطوری غیر قابل تعرض و رعایای شکست ناپذیر خواهی داشت .

«من باید روابط مفید را با تو ادامه دهم . من از تو خواهش میکنم خدمتگزاری را که برای تو میفرستم با محبت قبول کنی . من نیز اشخاصی را که بدربار من خواهی فرستاد با ملامت خواهی پذیرفت . من مجدداً برای تو عنایات یزدانی و یک سلطنت طولانی و متعالی و عاقبت مسعودی را آرزو میکنم .

«در کاخ امپراطوری من در توپلری<sup>۱</sup> پاریس بتاريخ ۹ ژرمنیال<sup>۲</sup> سال ۱۳ (۳۰ مارس ۱۸۰۵) سال اول سلطنت من تحریر یافته ناپلئون . وزیر روابط خارجی شارل موریس تالیران<sup>۳</sup> . ولی رومیو که بر اثر اشکالات مسافرت و زحمات راه خسته و فرسوده بود مریض شد و ده روز پس از ورودش به تهران در گذشت و در مدت کوتاه اقامت خود در تهران با وجود ضعف و ناتوانی گزارش قابل توجهی تهیه کرد و برای ناپلئون فرستاد .

زober که از طریق ارز روم بمسافرت خود ادامه میداد بنا بدستور بابعالی باتهام جاسوسی از طرف پاشای بایزید محبوس شد و چهار ماه در حبس بود تا آخر در نتیجه مداخله و اعتراض دولت ایران پاشای بایزید آزاد شد و در پنجم ماه ژوئن ۱۸۰۵ (۷ ربیع الاول ۱۲۲۰) وارد تهران گردید و اعتبار ناماً مورخ ۱۶ فوریه ۱۸۰۵ (۱۶ ذی قعدة ۱۲۱۹) خود را تقدیم فتحعلیشاه کرد :

« از بنا پارت امپراطور فرانسویان بفتحعلیشاه امپراطور ایرانیان :

« من همه جا مأمورینی دارم تا آنچه را که برای شناسایی من لازمست اطلاع دهند . بوسیله آنان میدانم در کدام محل و چه موقعی میتوانم پیادشاهان و مللی که

Tuileries—۱

Germinal—۲

Paris : Archives du Ministère des Affaires Etrangères, Perse fol.240—۳

مورد علاقه من هستند نصایح دوستانه فرستم و آنان را بانفوذ و قدرت خود مساعدت کنم .  
 « شهرت و افتخار که خود وسیله تبلیغ است شخصیت و کارهای مرا بتو شناسانده  
 است. تو میدانی من چگونه ملت فرانسه را مافوق همه ملل مغرب قرار دادم و با چه  
 صراحتی توجه خود را نسبت بسلاطین مشرق زمین اظهار کردم و چه عللی سبب شد که  
 پنجسال قبل از نقشه‌هایی که برای افتخار و خوشبختی ملل آنان داشتم منصرف شوم .  
 « من مایلم بوسیله تو از آنچه کرده‌ای و آنچه را که تصمیم داری برای تأمین  
 عظمت و بقایای امپراطوری خود بکنی اطلاع حاصل کنم .

« ایران سرزمینی است که طبیعت آنرا از عطایای خود برخوردار ساخته است .  
 سکنه آن مردم باهوش و بی باکی هستند که لیاقت حکومت شایسته‌ی دارند . معلوم  
 میشود از یکقرن پیش بیعد عده زیادی از اسلاف تو لیاقت فرمانروایی بر این ملت را  
 نداشته‌اند زیرا آنان این ملت را بحال خود رها کرده‌اند تا زجر ببینند و در جنگهای  
 خانگی از پای در آیند .

« نادرشاه جنگجوی نام آوری بود که موفق شد قدرت بزرگی تحصیل کند. وی در  
 مقابل مفسده جویان سهمگین و در برابر همسایگان خود مهیب بود . بردشمنان خود  
 غالب آمد و بافتخار سلطنت کرد لیکن این فرزاندگی را نداشت که هم در اندیشه حال و هم  
 بفکر آینده باشد اخلاف وی جای او را نگرفتند . بنظر من تنها محمد شاه<sup>۲</sup> عم تو  
 مانند یک سلطان فکر کرده و زندگی نموده است . وی قسمت اعظم ایرانرا تحت فرمان  
 خود در آورد و سپس قدرت سلطنتی را که از طریق فتوحات خود حاصل کرده بود بتو  
 تفویض نمود . تو از وی تقلید کرده‌ای و از نمونه‌هایی که بتو داده جلوتر خواهی رفت .  
 تو نیز مانند وی خود را از وسوسه ملت تاجری که در هندوستان بسر میبرند و تاج و تخت  
 سلاطین را معامله میکنند برکنار خواهی داشت - تو ارزش دولت خود را در مقابل دولت  
 روسیه که غالباً بقسمتی از امپراطوری تو که مجاور خاک اوست تجاوز میکند ، حفظ  
 خواهی کرد .»

(۱) در اینجنا ناپلئون بقتل پل اول امپراطور روسیه که در سال ۱۸۰۰ اتفاق افتاد  
 اشاره میکند که نقشه اشغال هندوستان را از طریق ایران عقیم گذاشت .  
 (۲) منظور آقا محمد خان میباشد .

« یکی از خدمتگزاران بسیار صدیق خود را که نزد من وظیفه مهمی بر عهده دارد پیش تو میفرستم. بوی مأموریت داده‌ام که احساسات مرا برای تو بیان کند و آنچه را که بدو اظهار خواهی داشت بمن گزارش دهد. من بوی امر می‌کنم بقسطنطنیه برود زیرا میدانم که یوسف واسیلویتز<sup>۱</sup> یکی از رعایای تو که مأمور رساندن پیشنهادهای مودت آمیز تو است با آنجا رسیده است. خدمتگزار من ژوبر نسبت بمأموریت این ایرانی مطالعه خواهد کرد و از آنجا بی‌غداد خواهد رفت و در آنجا رومیو یکی از نمایندگان باوفای من دستورها و سفارشهای لازم بوی خواهد داد تا دربار ترا مطلع سازد. وقتی ترتیب این ارتباط برای یکمرتبه داده شد هیچ مانع وجود نخواهد داشت که همواره بهمان نحو ادامه یابد.

« تمام ملل محتاج یکدیگرند - مردم مشرق زمین ذکاوت و جسارت دارند ولی عدم اطلاع از بعض صنایع و بی اهمیت شمردن برخی قواعد انضباطی که قدرت و فعالیت سپاه را چندین برابر میکنند بدانان ضررهای جبران ناپذیر هنگام جنگ بر ضد شمالی‌ها و مغرب زمینی‌ها میرساند - امپراطوری نیرومند چین سه بار فتح شده و امروز نیز یک ملت شمالی در آنجا حکومت میکند.

« تو بچشم خود می‌بینی انگلیسیان، یکمات غربی، که میان ما شماره‌اشان اندکتر و وسعت کشورشان از دیگران کمتر است چگونه تمام دولتهای هندوستان را بلرزه در آورده اند.

« تو آنچه را که مایل هستی بمن اطلاع خواهی داد و ما روابط دوستی و تجاری را که سابقاً میان امپراطوری تو و من وجود داشت تجدید خواهیم کرد و متحداً برای ازدیاد قدرت و ثروت و سعادت ملت‌های خود اقدام خواهیم نمود.

« از تو خواهش می‌کنم از خدمتگزار باوفای من که پیش تو میفرستم خوب پذیرایی کنی جهت تو عنایات بزدانی را برای یک سلطنت طولانی و بافتخار و یک عاقبت سعادت مند آرزو می‌کنم.<sup>۲</sup>»